

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: استغن گوانز
برگردان از: محمدرضا مؤذن پور
۱۰ اپریل ۲۰۲۱

سگ های نگهبان امپریالیسم و افتراء نسل کشی اویغور



پارلمان کانادا در ۲۶ ام فیروری، با ۲۲۶ رأی موافق و بدون رأی مخالف، طرحی را به تصویب رساند که ادعا می کند جمهوری خلق چین به منظور جلوگیری از زادوولد اویغورها و دیگر مسلمانان ترک، اقداماتی انجام داده است که با کنوانسیون نسل کشی سازمان ملل متحد مطابقت می کند (۱).

واقعیت این است که بیجینگ از زادوولد اویغورها و دیگر مسلمانان ترک جلوگیری نمی کند و گزارشی که انسان شناس المانی نوشته و به عنوان یک سند وسیعاً مورد استناد قرار گرفته است، نافی این مدعا است. گزارش آدریان زنز از اعضای بنیادی که حکومت امریکا با هدف براندازی کمونیسم و حزب کمونیست چین را ه اندازی کرده است فاش می کند که باین که سیاست تنظیم خانواده چین، شمار فرزندان را که زوج های چینی مجاز به داشتن آن هستند «محدود می کند» این سیاست از فرزند آوری زوج های هیچ قومی از جمله اویغورها و مسلمانان ترک جلوگیری نمی کند. افزون بر این محدودیت بعد خانوار بین چینی های هان که اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند و اقلیت های مذهبی کاملاً یکسان است. از این رو هیچ تبعیضی بر اساس ملیت، مذهب یا قومیت در سیاست تنظیم خانواده چین وجود ندارد.

نمایندگان پارلمان کانادا، شاید با علم به این که موضع غیرقابل دفاعی دارند، برای تحکیم طرحشان به نظر سیاسی امریکا استناد کرده اند: «موضع دو دولت متوالی {امریکا} این بوده است که حکومت جمهوری خلق چین، اویغورها و دیگر مسلمانان ترک را مورد نسل کشی قرار داده است». با این کاسه لیزی زشت برای قدرت امپریالیستی، پارلمان کانادا طرحی تهیه کرده است که هیچ سند و مدرکی ندارد و بازتاب نظری است که در واشنگتن سرهم بندی شده است و آن هم باز متکی به هیچ سند و مدرکی نیست.

نکته مهم این است که دو دولت متوالی اخیر امریکا چین را یک رقیب به حساب می آورند و از این رو برای اتهام زنی به رقیب خود دلایل و انگیزه های سیاسی دارند. افزون بر این، جدا از این که امریکا از ارتش به شدت تجاوزگر خود برای اخذی امتیازات ستراتیژیک و اقتصادی از دیگر کشورها استفاده می کند، سابقه ای طولانی در جعل و دروغ برای توجیه اقدامات تجاوزکارانه خود دارد. ادعای «دو دولت متوالی» درباره نسل کشی در چین چیزی نیست جز ادامه حربه رایج امریکا در نشر اکاذیب علیه دولت هایی که ادغام در مدار سیاسی، نظامی و اقتصادی امریکا را نمی پذیرند. نسل کشی آلبانیایی ها به دست صرب ها در کوزوو، تسلیحات کشتار جمعی پنهان در عراق و شورشیان میانه رو در سوریه، تنها نوک کوه یخ افتراء ها و دروغ هایی هستند که پیش زمینه تجاوز امپریالیستی واقع شده اند؛ اما نسل کشی در شین جیانگ جدیدترین مورد است. در زیر من اتهام نسل کشی را از چهار منظر مورد بررسی قرار می دهم:

۱. فضای ژئو ستراتیژیک

۲. چه کسی پشت این اتهامات است؟

۳. اتهام زننده ها نسل کشی را چگونه تعریف می کنند؟

۴. سند اتهام چیست؟

فضای ژئو ستراتیژیک

در سال ۲۰۰۳ گراهام فولر (۲) نایب رئیس سابق برآورد اطلاعات ملی امریکا و رئیس اسبق ایستگاه سیا در کابل، کتابی تحت عنوان «مسأله شین جیانگ» را برای مدرسه مطالعات بین الملل پیشرفته پل نیتزه در دانشگاه جان هاپکینز تألیف کرد (۳). نویسنده همکار او استاد دانشگاه، فردریک استار بود. فولر و استار نوشتند:

«سابقه تاریخی نشان می دهد که تصمیم کشورها و حتی سازمان های بین المللی برای طرح موضوعات خاص حقوق بشری غالباً سیاسی و کاملاً گزینشی است. توجه بسیاری از کشورها به مسائل حقوق بشری در چین با کیفیت رابطه دوجانبه کلی آن ها با چین، رابطه ای معکوس خواهد داشت».

لازم به گفتن نیست که امروز، ۱۸ سال پس از نگارش مطلب فوق، کیفیت رابطه کلی میان چین و امریکا بشدت تخریب شده است. چین همچون رقیبی نیرومند برای برتری اقتصادی و تکنولوژیک امریکا ظاهر شده است و سیاست امریکا از دوره اوباما به برنامه ای آشکار برای توقیف صعود چین تبدیل شده است.

در روزهای اخیر، جو بایدن، رئیس جمهور امریکا گفته است: «رهبری امریکا باید با جاه طلبی های فزاینده چین برای رقابت با امریکا مقابله کند» (۴). وال استریت ژورنال گزارش می کند که «هدف بایدن این است که در نیمه رسانا ها، هوش مصنوعی و دیگر پیشرفت هایی که انتظار می رود اقتصاد و امور نظامی آینده را تعیین کند، از چین جلو بزند» (۵). این روزنامه می گوید با این حال رئیس جمهور امریکا می خواهد این مبارزه را مبارزه ای مبتنی بر «نبرد ارزش ها: دموکراسی در برابر استبداد» جا بزند و نه نبرد منافع اقتصادی.

در بنیاد رابطه رو به تخریب چین و امریکا، رقابتی تجاری وجود دارد که واشنگتن آن را با روایت نبرد ارزش‌ها پوشانده است. بایدن در مقاله‌ای که پیش از رسیدن به ریاست جمهوری در نشریه فارن افیرز نوشته است، برای مقابله با چین در زمینه دشواری هائی که برای بنگاه‌های امریکائی، تسلط امریکا بر صنایع آینده و تفوق تکنولوژیک (و از این‌رو نظامی) امریکا ایجاد کرده است، ستراتیژی را ترسیم می‌کند (۶). بایدن گفت که برای جلب حمایت از کارزار امریکا علیه چین از روایت حقوق بشری استفاده خواهد کرد.

فولر و استار نوشتند: «واقع گرایانه نخواهد بود» که «اشتقاق امریکا به بازی با «کارت اویغور» را به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر چین، در جریان بحران‌ها یا رویارویی‌های آینده نادیده بگیریم». «در گذشته، بسیاری از رقبای چین، سیاست فعالی را در شین جیانگ دنبال کرده و از معضل اویغور به سود خود بهره جسته‌اند». تقریباً دو دهه بعد، امریکا با افزایش ستیزش با به نبرد فراخوانده شدن برتری جهانی‌اش، تصمیم گرفته تا با کارت اویغور بازی کند.

چه کسی پشت این اتهامات است؟

افتراء زنی علیه بیجینگ محصول کار شبکه‌ای از گروه‌ها و افرادی است که با حزب کمونیست چین سر ستیز دارند و از تداوم سلطه جهانی امریکا حمایت می‌کنند. در مرکز این شبکه، انسان‌شناس المانی آدریان زنز قرار دارد.

مخالفت زنز با بیجینگ ریشه در عقاید دینی ارتجاعی او دارد. او که یک مسیحی بنیادگراست، کمونیسم، فمینیسم و همجنس‌خواهی را معصیت هائی به درگاه الهی می‌داند (۷). زنز همچنین باور دارد که برای برانداختن حاکمیت کمونیستی در چین، رسالتی الهی دارد. زنز از اعضای ارشد بنیاد یادبود قربانیان کمونیسم است (۸)، بنیادی که حکومت امریکا برای سلب حیثیت از مرامی راه اندازی کرده است که با اولین مذهب محبوب امریکا یعنی سرمایه داری-دولت امریکا در تعارض است (مسیحیت دومین دین است). این بنیاد می‌کوشد تا جهان را از «امید واهی به مارکسیسم» رها سازد و از «جباریت کمونیسم» (عبارتی پرتکرار در زندگی سیاسی هیتلر) نجات دهد و می‌کوشد تا به نسل‌های آینده بیاموزد که «سوسیالیسم مارکسیستی مرگبارترین سلاح تاریخ است» (و فردی با این نگرش، کاملاً مستعد ارتکاب نسل‌کشی است). وظیفه‌ای که این بنیاد امروزه آن را کاملاً ضروری می‌بیند زیرا «نگرش مثبت به کمونیسم و سوسیالیسم در ایالات متحده از هر دوره دیگری بالاتر است».

افزون بر این، زنز برای بنیاد جیمز تاوون (۹) نیز گزارش‌های نوشته است؛ گروهی ضدکمونیستی که تحت حمایت شرکت‌ها، بنیادها و ثروتمندان قرار دارد و وظیفه آن شکل دهی به افکار عمومی علیه چین و کوریای شمالی است.



برخی گروه های تبعیدی اویغور نیز در زمره افتراء زنده ها هستند، از جمله کنگره جهانی اویغور که موقوفه ملی برای دموکراسی (NED) آن را پایه گذاری کرده است. موقوفه ملی برای دموکراسی، سازمانی است که بودجه دولتی امریکا را دریافت می کند و اولین رئیس آن اعتراف کرد که این سازمان علناً همان کاری را می کند که سیا معمولاً به طور پنهان انجام می دهد (۱۰)؛ یعنی بی ثبات سازی حکومت های خارجی با تقویت نیروهای ستون پنجم. موقوفه ملی برای دموکراسی این کار را در پوشش حمایت از دموکراسی و حقوق بشر انجام می دهد. این سازمان در تئوئتر ادعا کرده است که نیروهای ستون پنجم در شین جیانگ را از سال ۲۰۰۴ تأمین مالی کرده است (۱۱).

منبع دیگر نشر افتراء به ضد بیجینگ، روزنامه «اپوک تایمز» متعلق به فرقه فالون گونگ است. منشأ عداوت فالون گونگ با بیجینگ، مثل زنز، در عقاید دینی ارتجاعی آن نهفته است (۱۲). این فرقه برابری جنسیتی، همجنس خواهی و کمونیسم را محاربه با خدا می داند.

اتهام زنده ها نسل کشی را چگونه تعریف می کنند؟

کسانی که چین را به نسل کشی متهم می کنند از ترفندی استفاده می کنند که معمولاً شرکت ها برای گول زدن مصرف کنندگان و کارکنان بهره می گیرند. ترفند آن ها این است که یک واژه را چنان بازتعریف کنند که معنایی غیر از آنچه به نحو معقولی از آن مستفاد می شود، بدهد.

وزیر خارجه پیشین امریکا، مایک پومپئو از این ترفند استفاده کرد. او بیجینگ را به تلاش برای ادغام ترک ها و شین جیانگ در جامعه بزرگتر چین متهم کرد (۱۳). هرچند این کار نسل کشی نیست، پومپئو به اقدامات بیجینگ برچسب نسل کشی زد. نشریه فارن پالیسی می گوید حقوق دانان وزارت خارجه امریکا به پومپئو گفتند که اقدامات بیجینگ در شین جیانگ با تعریف نسل کشی در کنوانسیون ملل متحد مطابقت نمی کند (۱۴) اما پومپئو که هیچ ارزشی برای حقیقت قائل نیست، چه رسد به نظر مخالف حقوق دانان حکومتی، از کار خود منصرف نشد.

وزیر خارجه کنونی امریکا، آنتونی بلینکن نیز بیجینگ را به نسل کشی متهم کرد (۱۵). بلینکن با بهره گیری از همان ترفند، اقداماتی را که هیچ ربطی به نسل کشی ندارند یعنی وجود یک میلیون اویغور در «اردوگاه های مراقبتی» مطرح می کند تا ادعا کند که بیجینگ می کوشد اقلیت مسلمان را نابود کند. این ادعا دو دروغ توأمان است. چون اولاً هیچ اردوگاه مراقبتی در شین جیانگ وجود ندارد (۱۶) و ثانیاً حتی وجود چنین اردوگاه هائی به معنای نسل کشی نیست. به احتمال زیاد بلینکن تلاش می کند از تداعی معنایی هولوکاست با اردوگاه های مرگ المان استفاده کند تا چنین القاء کند که اردوگاه های مراقبتی و نسل کشی، مثل قطب شمال و برف، با یکدیگر ملازمت دارند و نیز حکومت چین و حزب کمونیستش نمایندگان معاصر دهشت نازی هستند.

منبع ادعای اردوگاه های مراقبتی هم یکی دیگر از دشمنان سیاسی بیجینگ است: رسانه ای اسلام گرا که تجزیه طلبان اویغور در ترکیه اداره می کنند و به عنوان تریبون جنبش اسلامی ترکستان شرقی عمل می کند. جنبش اسلامی ترکستان شرقی سازمان جهادی وابسته به القاعده است که می خواهد شین جیانگ را به دولتی اسلامی تبدیل کند. این گروه از سوی ملل متحد و اتحادیه اروپا به عنوان سازمانی تروریستی شناخته شده است و امریکا نیز آن را گروهی تروریستی می شناخت تا این که پومپئو آن را از لیست تروریسم امریکا خارج کرد (۱۷) و بدین وسیله مانعی را که بر سر راه مشارکت جهادگرایان در پروژه بی ثبات سازی شین جیانگ، افتراء زنی علیه حکومت چین و نهایتاً تضعیف توان چین برای رقابت با بنگاه های امریکائی در سطح جهانی وجود دارد، رفع کند.

در جولای سال گذشته، زنز برای بنیاد جیمزتاون مقاله ای در مورد نرخ زادوولد اویغورها نوشت که به نظر می رسد مرجع نمایندگان پارلمان کانادا برای طرح ادعای نسل کشی در شین جیانگ باشد (۱۸). گزارش زنز مسأله نسل کشی را تنها در آخرین جمله و آن هم با تردید مطرح می کند. به جای او این ویراستار بنیاد جیمزتاون، افسر سابق نیروی بحری امریکا و پژوهشگر سابق کنگره امریکا، جان داتسون است که در یادداشت مقدمه نتیجه می گیرد: «زنز دعوای قانع کننده ای اقامه می کند که دستگاه حزب-دولت کمونیست چین در منطقه شین جیانگ مرتکب نقض شدید حقوق بشر می شود، به نحوی که مطابق با کنوانسیون ملل متحد در مورد منع و مجازات جنایت نسل کشی، نسل کشی به حساب می آید». در حالی که زنز فقط نتیجه گیری کرده که سیاست های چین را می توان مثل کارزاری جمعیت شناختی برای نسل کشی طبق کنوانسیون ملل متحد توصیف کرد. مسلماً هر سیاستی را می توان به هر شکل خاصی که می خواهیم توصیف کنیم اما مسأله مورد بحث این نیست که سیاست //ف را می توان مثل ب توصیف کرد یا نه بلکه این است که آیا //ف ب است؟ خلاف داتسون، زنز حاضر نبود بگوید سیاست کنترل زادوولد چین، نسل کشی است و دلیل خوبی برای این کار وجود دارد چون واضح است که چنین نیست.

مقاله زنز نوشته ای سیاسی بود مبتنی بر گزارشی در مورد سیاست های تنظیم خانواده بیجینگ و آثار آن بر نرخ زادوولد اویغور و هان در شین جیانگ. این گزارش چیزی خلاف تفسیر غلط و ناشی از انگیزه های سیاسی داتسون را نشان می دهد:

- قبلاً زوج های چینی هان محدود به داشتن یک فرزند بودند، در حالی که زوج های اویغور در مناطق شهری مجاز به داشتن دو فرزند و در مناطق روستائی سه فرزند بودند. محدودیت های تنظیم خانواده در مورد زوج های اویغور به طور جدی اعمال نمی شد.
- امروزه زوج های چینی هان مجازند برابر با زوج های اویغور فرزند داشته باشند (در مناطق شهری دو فرزند و در مناطق روستائی سه فرزند).
- محدودیت های تنظیم خانواده حالا به طور جدی اعمال می شود.
- اعمال جدی و نه سهل انگارانه محدودیت های تنظیم خانواده، با کاهش نرخ زادوولد اویغورها همراه بوده است.

گزارش زنز نشان داد که جمعیت اویغور علی رغم اعمال سیاست های تنظیم خانواده همچنان افزایش یافته است. زوج های اویغور از فرزند آوری منع نشده اند (فقط شمار فرزندان که می توانند داشته باشند محدود شده است) و قوانین تنظیم خانواده به طور برابر در مورد چینی های هان نیز اعمال شده است.

ماده دوم کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی (۱۸) چنین می گوید:

«در این کنوانسیون نسل کشی به معنای ارتکاب عمداً هر یک از اعمال زیر با نیت نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است:

- کشتار اعضای گروه
- وارد آوردن آسیب های جسمی یا روانی جدی به اعضای گروه
- تخریب عمدی وضعیت زندگی گروه با هدف نابودی جسمانی کلی یا جزئی آن
- اقداماتی با هدف جلوگیری از زادوولد در گروه
- انتقال اجباری فرزندان گروه به گروهی دیگر.»

مطلب مرتبط، بند چهارم یعنی اقداماتی با هدف جلوگیری از زادوولد در گروه است. سیاست تنظیم خانواده چین از زادوولد جمعیت اویغور جلوگیری نمی کند فقط آن را محدود می کند و این محدودیت تبعیض آمیز نیست و به طور برابر بر دیگر گروه ها نیز اعمال می شود.

سند اتهام چیست؟

حقوق دانان وزارت خارجه آمریکا به پومپئو گفتند که هیچ مدرکی دال بر نسل کشی در شین جیانگ وجود ندارد (۱۹). چنان که دیدیم این گفته، پومپئو را از طرح اتهام منصرف نکرد؛ کسی که یکبار با مباحثات گفته بود که در مقام رئیس سیا «دروغ گفتیم، فریب دادیم و دزدی کردیم» (۲۰). او در تداوم سنت دولت آمریکا در دروغ پردازی برای پیشبرد منافع خود، صرفاً تعریف نسل کشی را تغییر داد. باب ری نماینده کانادا در ملل متحد، چین را به ارتکاب نسل کشی متهم کرد و سپس گفت که باید تلاش کرد تا مدارک لازم برای اثبات درستی این ادعا گرد آوری شود (۲۱). باب ایبیتسون ستون نویسنشیه گلوب اند میل کانادا اذعان کرد که اقدامات حکومت چین در کانادا با تعریف ملل متحد از نسل کشی مطابقت نمی کند اما با این حال بیجینگ دارد نسل کشی می کند (۲۲).

سگ های نگهبان امپریالیسم

ایالات متحده با هدف حفظ برتری اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک خود جنگی اطلاعاتی و اقتصادی علیه چین راه انداخته است. واشنگتن شهروندان خود، متحدان خود و شهروندان شان و جماعت ترقی خواهان را برای کارزاری به منظور پاسداری از دیکتاتوری بین المللی ایالات متحده در برابر صعود صلح آمیز چین به استخدام در می آورد. همه نوع افتراء به چین زده می شود تا مخالفت عمومی را ضد بیجینگ برانگیزد و برای تهاجم اقتصادی و تهدید فزاینده نظامی علیه جمهوری خلق، حمایت عمومی را جلب کند. از اتهاماتی که می گوید مقامات چین انتشار ویروس کرونا را پنهان کردند تا افتراهائی در مورد مسلمانانی که در اردوگاه های مراقبتی محبوس و محکوم به کار اجباری شده و هدف نسل کشی واقع شده اند. این که بیجینگ از توافق یک دولت-دو سیستم در هانگ کانگ تخطی کرده است (در حالی که چین در واقع فقط قانونی امنیتی را اجراء می کند که از بخش یک دولت توافق پشتیبانی می کند) و این که تلاش های بیجینگ برای وحدت مجدد کشور با الحاق مجدد منطقه ئی که ناوگان هفتم آمریکا از الحاق آن در سال ۱۹۵۰ جلوگیری کرده است، اقداماتی تجاوزکارانه علیه یک کشور مستقل به نام تایوان است. نیروهای مترقی از *دموکراسی ناو!* (۲۳) که تریبونی در اختیار آدریان زنز قرار داد تا به بیجینگ بهتان بزند تا احزاب سبز و دموکرات جدید در کانادا که به طرحی رأی دادند که ادعا می کند در شین جیانگ یک نسل کشی جریان دارد، از همدستان کارزاری هستند که هدف آن حفظ و پیشبرد منافع سهام داران، سرمایه گذاران و بانکداران غربی در مقابل دشواری هائی است که صعود چین ایجاد کرده است. لنین که در مورد کمونیسم، رقابت های بین المللی و خیانت ترقی خواهان بسیار می دانست، اسلاف دموکراسی ناو ها، سبزها و دموکرات های جدید امروزی را سگ های نگهبان امپریالیسم نامید (۲۴). سخنان او در دالان های زمان طنین انداز است.

این مقاله ترجمه ای است از:

[The watchdogs of imperialism and the Uyghur genocide slander](#)

-
١. <https://www.ourcommons.ca/members/en/votes/43/2/56>
 ٢. <https://grahamefuller.com/>
 ٣. https://mronline.org/wp-content/uploads/2021/03/01_Xinjiang_Problem.pdf
 ٤. http://english.hani.co.kr/arti/english_edition/e_international/985106.html
 ٥. <https://www.wsj.com/articles/u-s-enlists-allies-to-counter-chinas-technology-push-11614524400>
 ٦. <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-01-23/why-america-must-lead-again>
 ٧. <https://thegrayzone.com/2021/02/18/us-media-reports-chinese-genocide-relied-on-fraudulent-far-right-researcher/>
 ٨. <https://victimsofcommunism.org/about/>
 ٩. <https://jamestown.org/>
 ١٠. <https://mondediplo.com/2007/08/04ned>
 ١١. <https://twitter.com/NEDemocracy/status/1337063301113581568?s=20>
 ١٢. <https://thegrayzone.com/2021/01/28/ny-times-ughur-china-genocide-falun-gong/>
 ١٣. <https://www.wsj.com/articles/u-s-declares-chinas-treatment-of-ughur-muslims-to-be-genocide-11611081555>
 ١٤. <https://foreignpolicy.com/2021/02/19/china-ughurs-genocide-us-pompeo-blinken/>
 ١٥. <https://www.nytimes.com/2021/01/19/us/politics/trump-china-xinjiang.html>
 ١٦. <https://thegrayzone.com/2021/01/28/ny-times-ughur-china-genocide-falun-gong/>
 ١٧. <http://en.people.cn/n3/2020/1203/c90000-9795580.html>
 ١٨. <https://jamestown.org/product/sterilizations-iuds-and-mandatory-birth-control-the-ccps-campaign-to-suppress-uyghur-birthrates-in-xinjiang/>
 ١٩. <https://is.gd/OTTTpu>
 ٢٠. <https://www.youtube.com/watch?reload=9&v=6RmEsPE7iq0>
 ٢١. <https://communist-party.ca/no-to-a-new-cold-war-against-china/>
 ٢٢. <https://www.theglobeandmail.com/politics/article-parliaments-genocide-declaration-puts-pm-in-tough-spot-on-china/>
 ٢٣. <https://thegrayzone.com/2021/02/22/democracy-nows-china-state-departments-cold-war/>
 ٢٤. <https://www.marxists.org/archive/lenin/works/1918/aug/20.htm>